



کالدرون چگونه در پرسپولیس پذیرفته شد؛ از حضيض تا اوج

رئیس منم!

را در دست گرفت که مدیریت آن غیرممکن به نظر می‌رسید. حالا او به نقطه‌ای رسیده که همه به او اقتدا می‌کنند و پذیرفته‌اند که او مربی پرسپولیس است. کالدرون اما چرا و چگونه به این جایگاه رسید و توانست این مأموریت غیرممکن را انجام دهد؟ مرور اتفاقات و تصمیمات او در نیم فصل نخست لیگ نشان می‌دهد که برای رسیدن به این نقطه چه مسیر طول و دراز و پرفراز و نشیبی را طی کرد.

مناسبی برای پرسپولیس به شمار می‌رود و می‌تواند با این تیم به کرانه موفقیت برسد. کالدرون گزینه‌ای از خاستگاه متفاوت و با فلسفه متفاوت از برانکو ایوانکوویچ است و جانشین مردی شده بود که با پرسپولیس به همه افتخارات ممکن رسیده و کارنامه‌ای رشک‌برانگیز داشت و از همین رو مأموریتی بس دشوار را پیش روی خود می‌دید اما او در نهایت از همه چالش‌ها گذر کرد و کنترل رختکنی

در نهایت او توانسته به همه ثابت کند که سرمربی مطلوب و ایده‌آلی است که شایستگی نشستن روی نیمکت تیم قهرمان را دارد. گزاره‌ای که البته اثبات آن در ابتدای راه بسیار دشوار و حتی غیرممکن به نظر می‌رسید اما او سرانجام بعد از یک نیم فصل سخت و حتی عذاب‌آور توانست به جایی برسد که حتی سرسخت‌ترین منتقدان او نیز اعتراف کنند مربی آرژانتینی با وجود همه فراز و نشیب‌ها گزینه



سعید آقایی

Saeed Aghaee

گابریل کالدرون حالا در نقطه‌ای ایستاده که همه به او ایمان دارند. ایمانی البته با اما و اگر ولی

خدا حافظی با بی‌مصرف‌ها

کالدرون روزی که به پرسپولیس آمد یک تیم بسته شده را تحویل گرفت. تیمی که تمام بازیکنانش با تفکر برانکو به این تیم آمده بودند و تقریباً چند سال در کنار هم زندگی کرده بودند. حتی مدیرعامل قبلی براساس میل و سلیقه خود بازیکن جدید نیز خریده بود! کالدرون اما با یک سلیقه و تفکر متفاوت از برانکو به جای گلایه از شرایط موجود و غر زدن، از همان روز نخست تأکید کرد که ملاکش برای انتخاب بازیکن و ترکیب اصلی تنها آمادگی و کیفیت بازیکن و البته تفکرات و سلیقه او است. او پرسپولیس را در شرایطی تحویل گرفت که تیم با ازدیاد بازیکن مواجه بود و باید تیمش را غربال می‌کرد. او در همان ابتدای راه و پیش از شروع فصل نشان داد که برای او ملاک تحت هر شرایطی کیفیت و آمادگی هر بازیکنی است و به هیچ وجه ملاحظات فرامتنی برایش اهمیت ندارد. برای کالدرون ملاک فقط و فقط کیفیت و آمادگی بازیکن و البته معیار سلیقه او است و هیچ آیتم دیگری را برای انتخاب مدنظر قرار نمی‌دهد. در حقیقت سرمربی پرسپولیس از دیدگاه فنی و تکنیکال همه پدیده‌ها را مورد ارزیابی قرار داده و البته تصمیم می‌گیرد. از همین رو او در دوران پیش فصل بعد از ارزیابی‌هایش قلم قرمز روی نام سروش رفیعی و شایان مصلح کشید. تصمیمی مناقشه‌برانگیز که با توجه به محبوبیت سروش و خاطراتی که او با پرسپولیس رقم زده بود، با واکنش هواداران و رسانه‌ها مواجه شد اما کالدرون روی تصمیم خود پافشاری کرد و این دو را کنار گذاشت. گذشت زمان البته ثابت کرد حق تا چه اندازه با سرمربی پرسپولیس بوده. سروش رفیعی در شهر خودرو بی‌ستاره هم در سپاهان پرستاره، کاملاً فراموش فیکس باشد و اغلب اوقات یک نیمکت نشین است. شایان مصلح هم در سپاهان پرستاره، کاملاً فراموش شده و با خیال راحت می‌تواند به فعالیت‌های جانبی نظیر شعر گفتن بپردازد!



ایمان به موفقیت

کالدرون در فاصله یک ماه مانده به آغاز لیگ و در میانه تابستان داغ پا به رختکن پرسپولیس گذاشت. جایی که بعد از جدایی نامهربانانه برانکو ایوانکوویچ، فضایی پر از تشویش و ابهام، نگرانی و عصبانیت بر آن حاکم بود. کالدرون اما در مواجهه با این شرایط هرگز پا را از دایره اصول و واقعیت بیرون نگذاشت و به ورطه وعده‌های غیرقابل باور و عوام‌فریبانه نیفتاد. او همانند یک مربی حرفه‌ای با شرایط برخورد کرد و با ستایش از مربی قبلی و موفقیت‌های فراوانی که کسب کرده تأکید کرد که کار بسیار دشواری پیش رو خواهد داشت اما به خودش و تیمش ایمان دارد و مطمئن است که می‌تواند در این تیم به موفقیت برسد. او در طول فصل بارها و بارها به این گزاره تأکید کرد و کوشید تا یک فضای منطقی و واقعی را پیش روی همه از بازیکنان گرفته تا رسانه‌ها و هواداران ترسیم کند. ایمان او به تغییر شرایط و رسیدن به موفقیت البته یک شعار جذاب نبود. او با توجه به تجربه بالا و حضور در بالاترین سطح فوتبال به خودش و تیمش ایمان داشت و حتی در سخت‌ترین شرایط ایمان خود را از دست نداد و آن را تکرار کرد؛ همانند فردای باخت به نفت مسجدسلیمان در تهران. آنچه در آن شرایط با ریشخند رسانه‌ها و هواداران روبه‌رو شد اما کالدرون کماکان پای این اعتقاد ماند و در نهایت آن را در عمل ثابت کرد.